

## درخواست تحویل جسد گروگانگیر ایرانی قطار سوئیس

خانواده گروگانگیر ایرانی در قطار سوئیس خواستار تحویل جسد او برای خاکسپاری شدند. به گزارش خبرنگار جام جم، دیروز مردی با حضور در شعبه یازدهم دادسرای جنایی تهران خواستار تحویل گرفتن پیکر برادرش برای خاکسپاری شد و گفت: برادرم متاهل بود و یک پسر ۱۲ساله داشت. او در زمینه خریدوفروش ملک و خودرو فعالیت داشت. در زندگی با مشکلاتی روبه رو شد و برای خلاصی از این وضعیت به کشور سوئیس رفت و درخواست پناهندگی کرد. برادرم یک سال و



لیلا حسین زاده گروه حوادث

آذربایجان، خبری بود که صبح دیروز منتشر شد. ساعتی پس از انتشار این خبر، رئیس کل دادگستری این استان در دستوری به فرماندهی انتظامی استان و دادستان مهاباد، خواستار پیگیری سریع موضوع قتل اعضای این خانواده شد.

چند ساعت از وقوع این قتل خانوادگی در روستای قم قلعه می گذرد. بعضی اهالی از جنایت خبر دارند اما بعضی دیگر نه. بهمن ماندگار لنگرودی که بین ۳۲ تا ۳۵ سال داشت همراه همسر، مادر ۵۴ ساله و فرزند هفت ماهه اش به قتل رسید. یکی از اهالی روستا به «جام جم» می گوید بهمن، پسر صاحبخانه را می شناخت و مشتری اش بود. پدر بهمن چند سالی است فوت شده و او با مادر، همسر و فرزندش زندگی می کرد؛ «ساعت یک ماداد روز یکشنبه این جنایت اتفاق افتاد و علاوه بر این چهار نفر، یکی از دستگمان بهمن هم در خانه بود. آن شب چهارمرد مسلح که همگی صورت شان را پوشانده بودند، به خانه بهمن رفتند. گویا این چهارمرد به دلیل آشنایی قبلی که با این خانواده داشتند، بدون مشکل و دردسر وارد خانه او شده بودند. مردان مسلح شروع به صحبت با بهمن و خانواده اش کردند اما مدتی بعد صدای مشاجره شان بلند

### عدلیه

## قتل پدر به خاطر طلب ۲۵ میلیونی



پسر ۳۳ ساله که موفق به دریافت طلب ۲۵میلیون تومانی از پدر ۶۰ساله اش نشد او را با ضربه چاقو به قتل رساند و پیش از فرار بازداشت شد. به گزارش خبرنگار جام جم، شامگاه هفدهم فروردین امسال مردی با پلیس ۱۱۰ تهران تماس گرفت و اعلام کرد مرد ۶۰ساله همسایه شان در محله ورد آورد پایتخت در دعوای خانوادگی زخمی شده است. مأموران به محل درگیری اعزام شدند. مردی که از ناحیه شکم زخمی شده بود به بیمارستان منتقل شده بود. ضارب پسر ۳۳ ساله خانواده بود که پیش از فرار ناکام مانده بود. مرد زخمی تحت درمان بود که روز بعد فوت شد و پسر خانواده در برابر اتهام قتل قرارگرفت. او دیروز به شعبه ششم بازپرسی دادسرای جنایی تهران منتقل شد و گفت: من و پدرم سر مسائل مختلف اختلاف و درگیری داشتیم. علاوه بر آن ۲۵میلیون تومان از سرمایه مالی ام را به پدرم داده بودم اما او دیگر حاضر به پس دادن آن نشد. سر این موضوع با هم درگیر بودیم. ۱۵روز قبل از مرگش هم خواستم طلبم را بدهد که طفره رفت. آن شب مادرم، پدر و برادرم در خانه بودیم که برسر گرفتن همین طلب ۲۵میلیون تومانی با پدرم دعوایم شد. او و برادرم می خواستند با شبلنگ دست و وپای من را ببندند و کتک بزنند که موفق نشدند. بعد دعوا بالاگرفت. من هم عصبانی شدم و از ظرفشویی چاقوی دسته سفیدی را برداشته و سمت پدرم انداختم که به شکمش خورد و زخمی شد.

حسین گودرزی، بازپرس شعبه ششم دادسرای جنایی تهران با تأیید این خبر به جام جم گفت: با اعتراف متهم به قتل پدرش، تحقیقات از او در اداره دهم پلیس آگاهی تهران ادامه دارد.

هشت ماه در آنجا به سر می برد اما هر بار که با او حرف می زدم، می گفت هنوز بلاتکلیف است و اداره مهاجرت به وضعیت او رسیدگی نمی کند. همین شرایط باعث شده بود او دچار بیماری روحی شده و تحت درمان روان شناس باشد. مدتی از او خبری نداشتیم تا این که بیستم بهمن سال گذشته در غرب سوئیس سوار قطاری شده و در حالی که تبر و چاقو به دست داشته، راهبر قطار و ۱۴مسافر را به گروگان گرفته بوده تا شاید به وضعیت پناهندگی او رسیدگی شود. ماموران دو تیر به او شلیک کردند و

### ۴ عضو خانواده ای در یکی از روستاهای مهاباد با شلیک گلوله کشته شدند

# قتل عام ۳ نسل یک خانواده در روستا

شدو در نهایت آنها به سمت هرچهار نفر شلیک کردند. آن فامیل بهمن که در خانه بود، صدای مشاجره را شنیده و به سمت اتاق رفت که مردان مسلح به او هشدار دادند بهتر است آنجا ترک کند، در غیر این صورت او رانیز می کشند. از قرار معلوم اسلحه های آنان صدا خف کن داشت چون هیچ کس صدای تیراندازی را نشنیده بود.»

او ادامه داد: «هنوز هم مشخص نیست مردان مسلح به چه علتی بهمن و خانواده اش را کشتند اما به نظر می آید اختلاف و مسائل شخصی عامل این قتل بوده است.»

رسول شیخی پور، دایی بهمن نیز در حالی که به شدت اشک می ریزد، به جام جم می گوید: «من از طریق برادرم که دایی بزرگ بهمن است از این جنایت باخبر شدم. خانه بهمن و دایی اش کنار هم است که برادرم متوجه سروصدا در خانه بهمن شده بود. برادرم که مشکوک شده بود برای این که ببیند بهمن و خانواده اش در چه وضعیتی هستند به خانه رفت و متوجه شد او، همسر و مادرش را به قتل رسانده اند. بهمن دو فرزند پسر داشت که یکی شش هفت ماهه بود و دیگری کلاس دوم دبستان است. فرزند بزرگش پنهان شده بود و افراد مسلح متوجه او نشده بودند. ما صدای شلیک گلوله را نشنیدیم و برادرم مرا از جنایت مطلع کرد.»

به گفته دایی بهمن، او هیچ دشمنی و اختلافی با کسی نداشت و اگر هم داشت به هیچ کس حرفی نمی زد؛ «مأموران پلیس در حال تحقیق روی این موضوع هستند و امیدواریم قاتل یا قاتلانش هرچه زودتر دستگیر شوند.»

به گفته یکی دیگر از اهالی، مدتی بود که صدای مشاجره و دعوا از خانه مقتول بلند بود اما مشخص نیست چه عاملی باعث مشاجره های متعدد بوده است ناصر عنایتی، رئیس کل دادگستری استان آذربایجان غربی پس از افزایش راز این قتل، دستور داد با اعزام کارآگاهان و تیم های ویژه جنایی از مرکز استان به صحنه جرم و با هماهنگی دادستان مهاباد و بازپرس ویژه رسیدگی کننده سریعاً ابعاد و علت ارتکاب جرم کشف و با استفاده از تمام امکانات و شگردهای پلیسی و جنایی عاملان و قاتلان شناسایی، تعقیب و دستگیر شوند. وی همچنین به دادستان مهاباد هم دستور داد ضمن حضور در محل تمام اقدامات قضایی لازم برای حفظ صحنه جرم و ادله موجود و اشیاء و آلات ارتکاب جرم ضبط و جزئیات حادثه تا تحقیقات کامل محلی صورت جلسه و دستورات لازم برای تعقیب مجرمان و دستگیری آنها صادر کند.

### پیگیری

## وحشت از شبخ روستا

معمای ناپدید شدن نازگل با کشف جسد سوخته ای وارد مرحله تازه ای شد

**دیواری رها کرد. کشف بقایای جسدی در روستا، وحشت یک ماهه اهالی را بیشتر و بازار شایعات را داغ کرده است. پلیس هنوز قتل دختر بچه را تأیید نکرده و می گوید: «بقایای جسدی با جثه نازگل روز یکشنبه در روستا پیدا شد که هنوز هویت و علت مرگ مشخص نیست. شواهد اولیه حکایت از این دارد که بقایای جسد متعلق به نازگل است اما تا زمانی که پزشکی قانونی این موضوع را تأیید نکند، نمی توانیم اظهار نظر قطعی کنیم.»**

بایشدن جسد دختر بچه ای در روستا، امیدهای مادر نازگل برای یافتن دخترکش، درآغوش کشیدن دوباره او و شنیدن شیرین زبانی هایش رنگ باخت و دیروز برای آزمایش دی ان ای به پزشکی قانونی اصفهان رفت و کورسوی امیدش منفی بودن جواب آزمایش است. ساعت ۱۰ صبح ۱۸ اسفند سال گذشته آخرین باری بود که مادر، نازگل را دید. دختر هفت ساله در حیاط خانه پدر بزرگ در حال بازی بود. چند دقیقه بعد وقتی سراغ دخترش رفت، هیچ خبری از او نبود. مادر نگران جست و جو برای یافتن دختر بچه را آغاز کرد؛ جست وجویی که یک ماه طول کشید تا این که جسدی هم جثه نازگل مقابل خانه شان رها شد.

آن طور که حمید چوپانی، پسرخاله مادر نازگل برای جام جم روایت کرده، پدر نازگل چند سال قبل فوت می کند و مادر با سختی تنها دخترش را بزرگ کرد. نازگل به مدرسه ای در روستای خانواده پدری اش می رفت و آخر هفته ها به خانه پدر بزرگ مادری اش می آمد. روز جمعه بود که نازگل ناپدید شد. مادرش ابتدا فکر کرد او با پدر بزرگش بیرون رفته به همین علت با او تماس گرفت و سراغ دخترش را گرفت اما پدر بزرگ هم از نازگل بی خبر بود. با طولانی شدن غیبت دختر بچه، اهالی جست وجو در روستا و اطراف را آغاز کردند. حتی غواص آتش نشانی هم آمد و داخل استخرهای آب آشورزی و کانال های آب را کاوش کردند اما هیچ اثری از او نبود. تا به حال سابقه نداشت در این روستا حادثه ای رخ دهد. به همین دلیل بحث دوربین های مدار بسته در روستا جدی گرفته نمی شد. چند دوربینی که فعال بودند هم تصویری از نازگل ثبت نکرده بود.»

### عدلیه

## مرد جوان قربانی خیانت همسر و دوستش شد

سر شوهر فروش زدم که فوت کرد. بعد جسد را در پتو انداخته و با قراردادن در خودرو به جاده کن و سولقان منتقل کردیم و به آتش کشیدیم و انمود کردیم که او برای کار به ترکیه رفته و به مردی هم پول دادم که با گوشی مقتول با پدرش تماس بگیرد. قرار بود به زودی ازدواج کنیم که دستگیر شدیم. همچنین فروشش هم گفته های او را تأیید کرد و گفت شاهد قتل شوهرش و آتش زدن جسد او بوده است.

در ادامه تحقیقات معلوم شد جسد سوخته مرد کشته شده در همان تابستان سال گذشته در جاده کن و سولقان به عنوان مجهول الهویه کشف شده که خانواده اش در پزشکی قانونی با دیدن جسد هویتش را تأیید کردند.

حسین گودرزی، بازپرس شعبه ششم دادسرای جنایی تهران با تأیید این خبر به جام جم گفت: متهمان در بازداشت به سر می برند و تحقیقات از آنها ادامه دارد.

با کشته شدن برادرم گروگان ها را آزاد کردند. بیست و پنجم اسفند سال گذشته پیکر او از سوئیس به ایران منتقل شد اما هنوز در پزشکی قانونی است و آن را برای خاکسپاری تحویل نداده اند. موسی رضازاده، بازپرس شعبه یازدهم دادسرای جنایی تهران با تأیید این خبر به جام جم گفت: قرار شد مکاتباتی با کشور سوئیس انجام شود و نتیجه تحقیقات آنها در اختیار مرجع قضایی ایران قرار گیرد تا بعد از هماهنگی های لازم جسد تحویل خانواده اش شود.



### ☎ کوتاه از حوادث

### رهای پیزشک تبریزی از قصاص

وکیل مدافع علیرضا صلیح، پزشک تبریزی که به اتهام قتل همسر و مادر بزرگش به قصاص محکوم شده بود، از آزادی موکلش خبر داد.

بابک بابازاده در این باره به ایسنا گفت: با توجه به پیگیری های صورت گرفته و اعلام رضایت اولیای دم هر دو مقتول (همسر و مادر بزرگ)، موکلم پیش از سال نو از زندان آزاد شد.

این گزارش حاکی است مهر ۱۳۹۵ پنج عضو خانواده یک پزشک تبریزی از جمله همسر، مادر، پدر، برادر و مادر بزرگش دچار تنگی نفس شدند و همسر و مادر بزرگ این پزشک، در بیمارستان فوت شدند.

همزمان با مرگ دو نفر از اعضای خانواده این پزشک و مسمومیت سایر اعضای خانواده، پلیس تحقیقات را آغاز کرد و این پزشک سرانجام بازداشت شد.

### قتل مرد جوان با ادعای مزاحمت برای خواهر

مردی که با شلیک گلوله کارفرمای خواهرش را به قتل رسانده بود، مدعی شد به خاطر اختلاف مالی مقتول با خواهرش و مزاحمت های او برای زنان فامیل مرتکب قتل شده است.

به گزارش خبرنگار جام جم، شامگاه بیست و چهارم اسفند سال گذشته راننده نیسانی هنگام عبور از جاده مسگرآباد تهران جسد مرد ناشناسی را در تفرجگاهی قدیمی یافت و به پلیس ۱۱۰ تهران گزارش داد. ماموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران با حضور در آنجا مشاهده کردند ساعتی از مرگ او گذشته و بر اثر تیری که به سرش اصابت کرده، به قتل رسیده است.

تحقیقات در این باره ادامه داشت تا این که بعد از چند روز خانواده ای به پلیس آگاهی تهران آمده و گفتند که پسرشان برای کار از خانه بیرون رفته و ناپدید شده و تاکنون موفق به یافتن او نشده اند. این در حالی بود که آنها به پزشکی قانونی رفتند و با دیدن جسد مرد ناشناس متوجه شدند که این جسد متعلق به پسرشان است. همچنین معلوم شد ردی از پژوی ۲۰۶ او نیست. دو روز بعد خودرو در محله مشیریه کشف شد. ماموران به تحقیقات دوباره از خانواده وی برداختند و برپه پدر پسر آنها با دختری در دفتر کارش اختلاف مالی داشته و تصور می کنند آن دختر در این ماجرا نقش دارد. دختر جوان احضار و مورد تحقیق قرار گرفت و مدعی شد با مقتول اختلاف مالی داشته اما در مرگش نقشی نداشته است.

این در حالی بود که معلوم شد برادر این دختر، آخرین مرتبه سوار پژوی مقتول بوده است. او چند روز پیش بازداشت و به قتل اعتراف کرد و گفت: مقتول کارفرمای خواهرم بود و علاوه بر اختلاف مالی که با بهم داشتند، مدام مزاحم خواهرم و حتی نامزد خودم شده بود. شب حادثه برای پایان دادن به این مشکلات سوار خودرویش شدم و با هم به سمت مسگرآباد رفتم. در آنجا دعایای مان شد و با شلیک گلوله او را کشتیم و جسد را در همان حوالی انداختیم.

### حکم مرگ برای قتل در بزم مستانه

پسر جوان که در جریان درگیری با دوستش در بزم مستانه، او را کشته بود با حکم دادگاه به قصاص محکوم شد.

به گزارش خبرنگار جام جم، تحقیقات پلیسی در این پرونده از زمستان ۱۴۰۱ و با انتقال پیکر غرق در خون پسر جوان به بیمارستانی در غرب تهران آغاز شد. پسر جوان به نام شاهین هدف ضربه های چاقو قرار گرفته بود اما بر اثر خونریزی جان سپرد. در بررسی های ماموران مشخص شد، یکی از دوستان شاهین او را به بیمارستان رسانده و سپس قرار کرده بود. با بررسی دوربین های مدار بسته بیمارستان، هویت قاتل شناسایی و دستگیر شد. امیر ۳۰ ساله در تحقیقات به قتل اعتراف کرد و گفت: روز حادثه به مغازه شاهین رفته و آنجا مشروب خوردم. غیر از من و شاهین، دو نفر دیگر هم آنجا بودند. بعد سر شوخی و کل کل دعوای مان شد. شاهین قهه داشت و به سمت من آمد که از ترس با چاقو او را زدم. بعد شاهین را به بیمارستان رساندم اما او فوت کرد و ترس قرار کردم. پرونده با تکمیل تحقیقات به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد و در جلسه دادگاه معاون قوه قضاییه از طرف تنها ولی دم مقتول که صغیر است درخواست قصاص کرد. در ادامه امیر در جایگاه ایستاد و گفت: بعد از این که مشروب خوردم، شاهین شروع به شوخی با یکی از افراد مهمانی کرد و همین شروع درگیری شد. من در مسیر مرغ خریدم بودم تا جوجه کباب درست کنم. در حال خرید مردن مرغ بودم که درگیری بالا گرفت. شاهین شمشیر داشت و به سمت من آمد، به طرف خرد و روی شاهین افتادم. ناخواسته چاقو وارد سینه اش شده بود. خیلی ترسیده بودم و او را سوار ماشین کرده و به بیمارستان بردم. وقتی فمیدم حالش وخیم است از ترس فرار کردم که ماموران دستگیرم کردند. پس از فاعیات متهم و وکیل مدافعش، قضات دادگاه وارد شور شده و امیر را به قصاص محکوم کردند.

